

تحلیل فضایی شاخص‌های عمده اشتغال زنان در کشور

سید هدایت‌الله نوری

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

داود جمینی

کارشناس ارشد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

علیرضا جمشیدی*

دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

چکیده

پژوهش حاضر که از نوع توصیفی - تحلیلی بود، با هدف تحلیل فضایی و تعیین جایگاه هر یک از استان‌های کشور به لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال زنان و تبیین میزان شکاف بین مناطق کشور در زمینه بهره‌مندی از شاخص‌های مذکور انجام شد. اطلاعات مربوط به ۱۶ شاخص مورد بررسی در زمینه اشتغال زنان، از مستندات سال ۱۳۸۹ مرکز آمار کشور جمع‌آوری شد. در این مطالعه استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های اشتغال زنان با استفاده از روش‌های آماری و مدل TOPSIS تحلیل شد. در این تحلیل از نرم‌افزارهای SPSS و ArcGIS استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در بین استان‌های کشور از لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال زنان نابرابری و شکاف زیادی وجود دارد. نتایج تحلیل خوشه‌ای نشان داد، ۲۰ درصد استان‌های کشور در سطوح بسیار بهره‌مند و بهره‌مند، حدود ۱۳ درصد در سطح نسبتاً بهره‌مند (متوسط) و حدود ۶۷ درصد در سطوح محروم و بسیار محروم واقع شده‌اند. نهایتاً نتایج تحلیلی پژوهش بر اساس نمایش توزیع فضایی با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS، نشان داد که میزان بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال زنان در مناطق شمال غرب و شمال شرق ایران مطلوب‌تر و در مناطق مرکزی (به استثناء استان اصفهان) و جنوبی (جنوب، جنوب‌شرق و جنوب‌غرب) کشور وضعیت نامطلوبی دارد.

واژگان کلیدی

شاخص‌های اشتغال؛ زنان؛ توسعه یافتگی؛ تحلیل فضایی؛ استان‌های ایران

* نویسنده مسئول

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۲/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۹

مقدمه و بیان مسأله

امروزه در مباحث مربوط به توسعه، نقش و اهمیت نیروی انسانی به‌ویژه اشتغال زنان توجه محققان و صاحب‌نظران توسعه را به خود جلب کرده است. به‌طوری که امروزه یکی از مهم‌ترین معیارها برای سنجش درجه توسعه یافتگی یک کشور، اشتغال زنان است و این امر به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه اقتصادی همواره ارزیابی و سنجیده می‌شود (پیشگاهی فرد و پولاب، ۱۳۸۸: ۹۰-۸۹). افزایش اشتغال زنان با افزایش سرمایه انسانی رابطه مستقیم دارد. همچنین، این عامل یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی محسوب می‌شود (هرندی و جمشیدی، ۱۳۸۷: ۲۰۴). این در حالی است که مدیران و برنامه‌ریزان کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه به زنان و نقش آن‌ها در فرایند دگرگونی و توسعه جامعه اعتقاد چندانی ندارند. زنان در این کشورها بیش‌تر عنصر حاشیه‌ای، غیرفعال و غیر مولد محسوب می‌شوند و در چنین شرایطی به تدریج زنان از آموزش‌های نوین، توزیع عادلانه درآمد، پیوند با بازار کار و در یک کلام از مشارکت در سطوح تصمیم‌گیری محروم می‌شوند. به‌دنبال آن جامعه نیز، به دلیل عقب‌ماندگی و واپس‌گرایی نیمی از جمعیت خود، نمی‌تواند فرایند توسعه را به آن شکلی طی کند که علم تجویز می‌کند (امینی و احمدی شاپورآبادی، ۱۳۸۶: ۶۶). به‌طور کلی می‌توان گفت، از جمله شاخص‌های توسعه یافتگی یک کشور، میزان مشارکت و نقشی است که زنان در آن کشور دارند. آمارهای موجود حاکی از آن است که امروز زنان ایران در جایگاه و منزلتی دوگانه قرار دارند. از نظر شاخص‌های بهداشتی - آموزشی، زنان ایران در شرایطی به مراتب بهتر از اکثر کشورهای منطقه قرار دارند، اما از نظر حضور در بازار کار و سهم درآمدی، در میان کشورهای در حال توسعه رتبه بسیار پایینی دارند. با توجه به ساخت سنی - جنسی جمعیت کشور در سرشماری گذشته کشور، مشاهده می‌شود که نزدیک به نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند، ولی بنا به دلایل فرهنگی و اجتماعی، نقش آن‌ها در فعالیت‌های مزدبگیری گسترش نیافته است.

زنان نیمی از پتانسیل انسانی جامعه هستند، باز گذاشتن میدان برای بروز توانایی‌ها و شکوفایی استعدادهای زنان با حفظ شخصیت و کرامت انسانی آن‌ها و حفظ مصالح خانوادگی ارزش بسیار دارد. حذف زنان از صحنه‌های اجتماعی، حذف نیمی از جامعه انسانی است



(سلیمانی، ۱۳۹۰: ۱۴۴) که نتیجه آن می‌تواند اثرات زیان بار اقتصادی - اجتماعی برای کشور در پی داشته باشد. بنابراین، لازم است متناسب با استعدادهای زنان، زمینه اشتغال و مشارکت آن‌ها در عرصه‌های اقتصادی فراهم شود. لذا مطالعه حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر بود:

وضعیت کلی استان‌های کشور در زمینه بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال زنان چگونه است؟ آیا بین مناطق کشور در زمینه شاخص‌های اشتغال زنان شکاف و نابرابری وجود دارد؟ بهره‌مندترین و محروم‌ترین استان‌های کشور در زمینه شاخص‌های اشتغال زنان کدامند؟ پژوهش‌های بسیاری درباره نقش اقتصادی زنان انجام شده است، اما تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های دیگر در این است که اولاً این پژوهش توسعه یافتگی استان‌های کشور را بر اساس شاخص‌های اشتغال زنان بررسی کرده است. ثانیاً با بهره‌گیری ترکیبی از تکنیک‌های TOPSIS و تحلیل خوشه‌ای و نرم‌افزار ArcGIS استان‌های کشور را بر اساس شاخص‌های اشتغال زنان سطح‌بندی کرده و از این حیث تازگی دارد. در ادامه به نتایج چند مطالعه مهم اشاره می‌شود:

دادورخانی (۱۳۸۵)، در مطالعه‌ای با هدف بررسی توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان روستایی استان گیلان، به این نتیجه رسید که با ادامه روند کنونی توسعه روستایی هیچ‌گونه چشم‌انداز روشنی را برای بهبود وضعیت اشتغال زنان و به‌ویژه دختران جوان در روستاها نمی‌توان انتظار داشت و سهم و نقش اشتغال زنان روند نزولی را خواهد داشت. نتایج مطالعه امینی و احمدی شاپورآبادی (۱۳۸۶) نشان داد که دلیل اصلی اشتغال و تمایل به اشتغال ۹۴ درصد زنان روستایی، نیاز مبرم اقتصادی است و ۴۵ درصد زنان شاغل درآمد حاصل از دست‌رنج خویش را شخصاً دریافت نمی‌کنند. همچنین ۶۳ درصد آن‌ها حق خرج کردن درآمد خود را ندارند. نتایج پژوهش یزدخواستی و احمدی (۱۳۸۶) با عنوان «بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در ایران با تأکید بر سرشماری ۱۳۸۵» حکایت از افزایش بیکاری زنان و مردان در ایران دارد، اما این افزایش برای زنان چشمگیرتر است. عباسیان و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای وضعیت فعالیت و اشتغال زنان را در استان سیستان و بلوچستان بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که میزان فعالیت و اشتغال زنان در استان سیستان و بلوچستان نسبت به مردان استان و زنان استان‌های دیگر پایین‌تر است و میزان فعالیت زنان برای مدت ۴۰ سال

بدون تغییر باقی مانده است. قنبری و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی مناطق روستایی ایران را بر اساس شاخص‌های اشتغال زنان با استفاده از ۱۱ شاخص اشتغال بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که حدود ۴۳ درصد استان‌های کشور در سطوح بسیار بهره‌مند و بهره‌مند، حدود ۱۷ درصد در سطح نسبتاً بهره‌مند و حدود ۴۰ درصد در سطوح محروم و بسیار محروم واقع شده‌اند. همچنین میزان بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال زنان در مناطق شمال غرب، شرق و شمال شرق ایران مطلوب‌تر است و در مناطق مرکزی (به استثنای استان اصفهان) و جنوبی کشور وضعیت نامطلوبی دارند.

مروری بر دیدگاه‌ها و نقطه نظرات ارائه شده درباره اشتغال و به‌ویژه اشتغال زنان نشان می‌دهد که به طور کلی کشورمان به لحاظ اشتغال، به‌ویژه اشتغال زنان، وضعیت چندان مطلوبی ندارد و طی دوره‌های مختلف میزان بیکاری در کشور ما افزایش یافته که به طبع آن سهم اشتغال زنان نیز سیر نزولی طی کرده و در صورت ادامه روند کنونی چشم‌انداز روشنی را نمی‌توان برای زنان کشور پیش‌بینی کرد.

مهم‌ترین شرط برای رشد و توسعه جوامع ایجاد اشتغال است. به‌طوری‌که نیروی کار منبعی برای موفقیت است و اگر از نیروی کار به درستی و به‌طور مناسب استفاده نشود به جای فراهم کردن سود، زیان به همراه خواهد داشت (کلیک و تاتار، ۲۰۱۱: ۱۲۱۱). تا جایی که اتلاف نیروی انسانی و بیکاری، دوره گذر توسعه را به یک دوره فرسایشی بدل می‌کند و دامنه فقر را در جامعه گسترش می‌دهد (کیانمهر، ۱۳۷۹: ۲۸). فقدان دسترسی زنان به شغل مناسب و یا فقدان ارتقای شغلی آن‌ها علاوه بر دامن زدن به بی‌عدالتی اجتماعی بر بسیاری از متغیرهای اجتماعی نظیر فقر و بیماری تأثیر منفی می‌گذارد و عامل مهمی در سد کردن راه رشد و تعالی انسان است (عباسیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۹). شمار روزافزون زنان بیکار موجب کاهش سطح تولید و بهره‌وری و افت درآمد سرانه و رفاه می‌شود (یزدخواستی و احمدی، ۱۳۸۶: ۲۲) در حالی که افزایش اشتغال زنان با افزایش سرمایه انسانی رابطه مستقیم دارد و یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی محسوب می‌شود.

واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد که در مناطق مختلف کشور نابرابری‌های زیادی در امر اشتغال وجود دارد. پدیده فوق حتی در بین شهرستان‌های مختلف یک استان نیز مشاهده



می‌شود. این پدیده به دلیل فقدان شناخت امکانات و استعداد‌های مناطق مختلف در زمینه توسعه اقتصادی به وجود آمده است (فرشادفر و اصغرپور، ۱۳۸۹: ۶۲). لذا هدف از مطالعه حاضر شناخت نابرابری‌ها در توزیع فرصت‌های شغلی مناطق مختلف کشور در زمینه اشتغال زنان و توجه به این مسأله به جهت شناخت نقاط ضعف و قوت برای ارائه راهبردهای مناسب توسعه اشتغال زنان به منظور برنامه‌ریزی‌های آتی است.

بیکاری از مهم‌ترین دغدغه انسان‌ها است که می‌تواند باعث آسیب‌های بزرگ اجتماعی، کمبود رفاه و کاهش استانداردهای زندگی انسان‌ها شود. همراه با بالا رفتن نرخ بیکاری در اغلب اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، توجه و آگاهی از مفاهیم و نظریه‌های بازار کار منطقی به نظر می‌رسد (ایرنست و رانی^۱، ۲۰۱۱: ۲۶۹-۲۶۸). زنان در بازار کار از لحاظ نوع شغل، موقعیت اشتغال و میزان درآمد ناشی از کار با شرایط متفاوتی نسبت به مردان مواجه هستند که نظریه‌هایی به منظور تحلیل و تبیین این تفاوت‌ها شکل گرفته است. نظریه‌های اصلی در این زمینه عبارت هستند از: نظریه نئوکلاسیک، نظریه تفکیک جنسیتی بازار کار و نظریه فمینیستی.

نظریه نئوکلاسیک: این نظریه برای تبیین تفاوت‌های جنسیتی و اختلاف درآمد بین کار مردان و زنان به متغیرهایی نظیر مسئولیت‌های خانوادگی، نیروی جمعیتی، آموزش‌های عمومی، غیبت و جابه‌جایی از کار اشاره می‌کند و این عوامل را در میزان بهره‌وری نیروی کار مؤثر می‌داند (مامسن^۲، ۲۰۰۴: ۱۶۷-۱۶۶). باور نئوکلاسیک‌ها بر این است که سیاست‌گذاران برای کاهش تبعیض، باید به متغیرهایی غیر از متغیرهای بازار کار توجه کنند و برای آموزش زنان، ایجاد مهارت در شغل‌های غیر سنتی برای آن‌ها، تنظیم خانواده، افزایش مسئولیت مردان، سهم برابر زنان و مردان در نگه‌داری و تربیت کودک و کارهای خانگی سیاست‌گذاری کنند. همچنین، با سازماندهی دوباره زمان کار، موارد ممنوعیت اشتغال زنان در بعضی مشاغل را از قانون کار حذف کنند (ابونوری و غلامی، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۲).

نظریه تفکیک جنسیتی بازار کار: این دیدگاه، برای تبیین نابرابری‌های جنسیتی در اشتغال بر ساختار بازار نیروی کار تأکید دارد و فرض می‌کند که بازار نیروی کار به دلیل موانع نهادی

1. Ernst & Rani

2. Momsen

تفکیک شده، اما در درون هر بخش، اصول نئوکلاسیک اعمال می‌شود. هر یک از قسمت های بازار نیروی کار، به بخش های اولیه و ثانویه تقسیم شده؛ مشاغل بخش اول دارای ابعاد پیشرفته‌ای در آموزش و پرداخت هستند در حالی که مشاغل بخش دوم پرداخت ناچیز و امنیت کمی دارند. به دلیل روی گردانی یا واگذاری کار از سوی زنان، آن‌ها بیش تر به اشتغال در بخش دوم تمایل دارند در حالی که مردان، مشاغل نوع اول را ترجیح می‌دهند. با وجود این، واگذاری کار و غیبت در مشاغل سطح پایین و بدون آینده، نظیر مشاغل بخش دوم که زنان در آن‌ها تمرکز زیادی دارند، بیش تر است. بنابراین، ابعاد اعتباری شاغلان می‌تواند به دلیل تفاوت های جنسیتی در نوع اشتغال، بیش از خصایص اکتسابی زنان باشد. دیگر عوامل مؤثر در این تفکیک جنسیتی عبارت هستند از: سازمان‌یابی بهتر کارگران مرد در دفاع از تفاوت های مهارتی (حرفه‌ای) و درآمدی، اصرار آن‌ها در رقابت نیروی کار ارزان (اغلب زنانه) و نقش روابط جنسیتی و دیدگاه های مرد سالارانه‌ای که ساختار مؤسسات تجاری را کنترل می‌کنند (ویکی^۱، ۱۹۹۹: ۵۶). همچنین، فارلی به نقل از نوری و علی محمدی (۱۳۸۸) عقیده دارد که مزاحمت های جنسی عامل مهمی در جابه‌جایی زیاد کارگران زن است، زیرا دست کشیدن از کار چاره اصلی این نوع گرفتاری است (نوری و علی محمدی، ۱۳۸۸: ۹۵).

نظریه های فمینیستی: صاحبان این نظریه بر اهمیت عوامل فرهنگی و اجتماعی در تحدید دسترسی زنان به بازار کار تأکید دارند (دوموش و سگار^۲، ۲۰۰۱: ۳۶-۲۵). طبق این نظریه، گرایش مشاغل زنانه، گرایشی از نقش خانگی آن‌ها است و همان گونه که در بیش تر جوامع، کار خانگی کم ارزش انگاشته می‌شود، این مشاغل و مهارت‌ها نیز در بازار کار کم ارزش به حساب می‌آیند. وجود خصوصیتی نظیر دستورپذیری بیش تر، شکایت کم تر از کار، علاقه بیش تر به کارهای تکراری و نیاز کم تر به درآمد (زنان معمولاً دومین نان‌آور خانواده محسوب می‌شوند) در زنان به اختصاص کارهای با درآمد کم تر، مهارت پایین تر و نیز تأمین اجتماعی و پیشرفت کم تر به آن‌ها منجر می‌شود (ابونوری و غلامی، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۳). به طور کلی، حضور زنان در بازار کار بر حسب شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور به عوامل گوناگونی بستگی دارد که مهم ترین این عوامل در جدول ۱ ارائه شده است.

1. Vicky
2. Domosh & seager



جدول ۱: عوامل مؤثر بر سهم زنان در نیروی کار

عوامل اقتصادی	<p>۱- تورم اقتصادی: تورم باعث می‌شود زنان در مقام نان‌آور دوم، به‌ویژه در میان طبقه درآمدی پایین، وارد صحنه فعالیت و کار شوند که این خود بر میزان مشارکت و بیکاری و سطح دستمزدها اثرگذار خواهد بود (علمی، ۱۳۸۳: ۳۶).</p> <p>۲- توسعه اقتصادی: در مراحل اولیه توسعه، نرخ مشارکت زنان در بازار کار کاهش یافته تا به حداقل رسیده و با افزایش درجه توسعه یافتگی، سهم زنان در بازار کار افزایش می‌یابد (تانسِل، ۲۰۰۲: ۸).</p> <p>۳- توزیع درآمد: هرچه توزیع درآمد نابرابرتر باشد، برای حمایت از سطح واقعی مصرف خانوار، زنان اقدام به فعالیت اقتصادی بیرون از خانه خواهند کرد از این رو میزان اشتغال‌شان افزایش می‌یابد (یزدخواستی و احمدی، ۱۳۸۶: ۱۲).</p> <p>۴- نقش دولت: اندازه دولت که با هزینه‌های مختلف و اعمال مقررات گوناگون جلوگیری از تبعیض به‌کارگیری زنان در بازار کار همراه است، می‌تواند بر اشتغال زنان تأثیرگذار باشد (کاولکانتی^۱ و همکاران، ۲۰۰۸: ۸۸-۸۱).</p> <p>۵- سطح دستمزد زنان: سطح دستمزد باید هزینه‌های فرصت و ماندن در خانه و امور خانه‌داری را جبران کند (یزدخواستی و احمدی، ۱۳۸۶: ۱۲).</p> <p>۶- شرایط اجتماعی و اقتصادی خانوار و میزان دستمزد همسر: اگر شرایط اقتصادی و اجتماعی خانوار بهتر باشد، و هرچه دستمزد همسر بالاتر باشد هزینه فرصت از دست رفته برای او بالاتر است، در این صورت تقسیم کار به وجود می‌آید و زن در امور خانه و مرد وارد فعالیت اقتصادی می‌شود (عمادزاده، ۱۳۸۲: ۱۱۷-۱۲۵).</p>
سهم زنان در اشتغال	<p>۱- میزان باروری: افزایش باروری با افزایش مسئولیت زنان همراه است. لذا افزایش باروری عامل بازدارنده زنان از فعالیت‌های خارج از خانه است (هادیان و وحیدپور، ۱۳۷۸: ۲۵).</p> <p>۲- آموزش و تحصیلات: هرچه میزان تحصیلات و آموزش زنان بالاتر باشد، احتمال یافتن شغل برای آن‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی بیش‌تر می‌شود (یزدخواستی و احمدی، ۱۳۸۶: ۱۳).</p>
عوامل فرهنگی	<p>از جمله عوامل فرهنگی می‌توان به تفاوت و تبعیض در فرایند اجتماعی شدن زن و مرد، حاکم شدن تفکر مرد سالاری در جامعه و از جمله موانع اجتماعی می‌توان به تفکیک جنسیتی آموزشی، قوانین ناظر بر خانواده، وجود تبعیض در ساختار اشتغال، سیاست‌های محدودکننده در انتخاب رشته تحصیلی و شغل برای دختران، قوانین کار، تقسیم جنسی مشاغل زنانه و مردانه اشاره کرد (توکلی والا، ۱۳۸۵: ۲).</p>
عوامل حقوقی و قانونی	<p>قوانین رسمی و قواعد اجتماعی مرتبط با حقوق و وظایف اجتماعی فردی زنان بر مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی اثر می‌گذارد. در این مورد اگر حقوق زنان در قبال مالکیت اموال، تقسیم ارث، تعیین همسر، تصمیم‌گیری در خانواده و انتخاب شغل، قوانین مرتبط با اشتغال زنان در جامعه و سیاست‌های دولتی موافق با گسترش اشتغال زنان باشد، تسهیلات لازم در به‌کارگیری زنان در مشاغل ایجاد می‌شود (محمودیان، ۱۳۸۲: ۱۹۲).</p>

روش پژوهش

با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی و ماهیت موضوع، رویکرد حاکم بر این پژوهش توصیفی - تحلیلی و از نوع کاربردی بود. روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و با تکیه اصلی بر مستندات مرکز آمار ایران، به‌ویژه نتایج آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۸۹ کشور بود. برای بررسی وضعیت اشتغال زنان کشور با توجه به آمار و مدارک موجود، ۱۶ شاخص مؤثر در زمینه اشتغال زنان انتخاب و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و

1. Tansel
2. Cavalcanti

بهره‌گیری از تکنیک تاپسیس و استفاده از مدل آماری وزن‌دهی آنتروپی‌شانون به تجزیه و تحلیل و تعیین جایگاه استان‌های کشور در زمینه شاخص‌های اشتغال زنان اقدام شد. همچنین، با استفاده از تحلیل خوشه‌ای استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های اشتغال زنان در گروه‌های همگن طبقه‌بندی شدند. نهایتاً نتایج حاصل از تحلیل خوشه‌ای با استفاده از نرم‌افزار سامانه اطلاعات جغرافیایی مورد بررسی و استان‌های کشور بر اساس سطح بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال زنان (نمایش فضایی) نشان داده شد.

در این پژوهش برای تحلیل فضایی استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های اشتغال زنان، از شاخص‌های زیر استفاده شده است (شاخص‌های منفی در پژوهش حاضر به صورت معکوس به‌کار گرفته شده‌اند): C_1 - نرخ مشارکت اقتصادی زنان شهری؛ C_2 - نرخ مشارکت اقتصادی زنان روستایی؛ C_3 - نرخ اشتغال زنان شهری؛ C_4 - نرخ اشتغال زنان روستایی؛ C_5 - نسبت اشتغال زنان شهری؛ C_6 - نسبت اشتغال زنان روستایی؛ C_7 - نسبت شاغلان بخش خصوصی به بخش عمومی در مناطق شهری؛ C_8 - نسبت شاغلان بخش خصوصی به بخش عمومی در مناطق روستایی؛ C_9 - ضریب فعالیت عمومی زنان شهری؛ C_{10} - ضریب فعالیت عمومی زنان روستایی؛ C_{11} - بار تکفل زنان شهری؛ C_{12} - بار تکفل زنان روستایی؛ C_{13} - بار تکفل نظری زنان شهری؛ C_{14} - بار تکفل نظری زنان روستایی؛ C_{15} - بار تکفل واقعی زنان شهری؛ C_{16} - بار تکفل واقعی زنان روستایی.

تبیین تکنیک Topsis در اولویت‌بندی استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های اشتغال زنان: الگوریتم Topsis، به‌عنوان یک تکنیک تصمیم‌گیری چند شاخصه جبرانی بسیار قوی، برای اولویت‌بندی گزینه‌ها از طریق شبیه‌کردن به جواب ایده‌آل است که به تکنیک وزن‌دهی حساسیت بسیار کمی داشته و پاسخ‌های حاصل از آن، تغییر عمیقی نمی‌کند. در این روش، گزینه انتخاب شده باید کوتاه‌ترین فاصله را از جواب ایده‌آل و دورترین فاصله را از ناکارآمدترین جواب داشته باشد (قنبری و همکاران، ۲۰۱۲: ۷۶). به اجمال در روش تاپسیس، ماتریس $m \times n$ ارزیابی می‌شود که دارای m گزینه و n معیار است. در این الگوریتم، فرض می‌شود هر شاخص و معیار در ماتریس تصمیم‌گیری، دارای مطلوبیت افزایشی یا کاهش‌یکنوخت است.



مراحل اجرای الگوریتم Topsis به شرح زیر بود:

- ۱- تشکیل ماتریس داده‌ها (A_{ij}) بر اساس n شاخص و m گزینه (پیوست: جدول ۲). ۲-
- استاندارد کردن داده‌ها و تشکیل ماتریس استاندارد (پیوست: جدول ۳) بر اساس روابط زیر:

$$A_{ij} = \begin{bmatrix} a_{11} & a_{12} & \dots & a_{1n} \\ a_{21} & a_{22} & \dots & a_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ a_{m1} & a_{m2} & \dots & a_{mn} \end{bmatrix} \quad r_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{k=1}^m a_{kj}^2}} \quad R_{ij} = \begin{bmatrix} r_{11} & r_{12} & \dots & r_{1n} \\ r_{21} & r_{22} & \dots & r_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ r_{m1} & r_{m2} & \dots & r_{mn} \end{bmatrix}$$

- ۳- تعیین وزن هر یک از شاخص‌ها (w_i) بر اساس رابطه و تشکیل ماتریس (V), در این راستا شاخص‌های دارای اهمیت بیش‌تر از وزن بالاتری نیز بهره‌مند هستند (پیوست: جدول ۴):

$$V_{ij} = \begin{bmatrix} w_1 r_{11} & w_2 r_{12} & \dots & w_n r_{1n} \\ w_1 r_{21} & w_2 \sum_{j=1}^n w_j = 1 & \dots & w_n r_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ w_1 r_{m1} & w_2 r_{m2} & \dots & w_n r_{mn} \end{bmatrix}$$

شایان ذکر است در این پژوهش برای محاسبه اوزان شاخص‌های مورد بررسی از روش آنتروپی شانون استفاده شد. ایده این روش این است که هرچه پراکندگی در مقادیر یک شاخص بیش‌تر باشد، آن شاخص اهمیت بیش‌تری دارد. در این بخش به لحاظ رعایت اختصار از آوردن محاسبات خودداری و فقط وزن هر شاخص در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: شاخص اوزان

شاخص	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8
Wi	۰/۰۱۹	۰/۱۰۱	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳	۰/۰۲۶	۰/۱۱۹	۰/۰۲۴	۰/۰۰۳
شاخص	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16
Wi	۰/۰۲۳	۰/۱۱۵	۰/۰۳۰	۰/۱۳۴	۰/۰۲۹	۰/۱۵۶	۰/۰۳۵	۰/۱۷۷

۴- تعیین فاصله آامین گزینه از گزینه ایده آل (بالاترین عملکرد هر شاخص) که آن را با (A^+) نشان می دهند.

$$A^+ = \{(\max_i v_{ij} | j \in I), (\max v_{ij} | j \in J)\}$$

$$A^+ = \{V_1^+, V_2^+, \dots, V_n^+\}$$

۵- تعیین فاصله i امین آلترناتیو حداقل (پایین ترین عملکرد هر شاخص) که آن را با (A^-) نشان می دهند.

$$A^- = \{(\min_i v_{ij} | j \in I), (\max v_{ij} | j \in J)\}$$

$$A^- = \{V_1^-, V_2^-, \dots, V_n^-\}$$

۶- تعیین معیار فاصله ای برای گزینه ایده آل (S^+) و گزینه حداقل (S^-) .

$$S_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^+)^2}$$

$$S_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2}$$

۷- تعیین ضریب (C_i^+) که برابر است با فاصله گزینه حداقل (S_i^-) تقسیم بر مجموع فاصله گزینه حداقل (S_i^-) و فاصله آلترناتیو ایده آل (S_i^+) که از رابطه زیر محاسبه می شود.



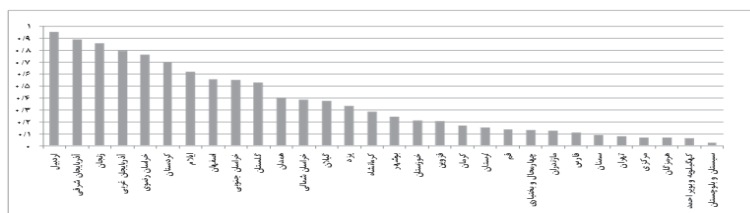
$$C_i^* = \frac{S_i^-}{S_i^- + S_i^+}$$

۸- رتبه‌بندی گزینه بر اساس میزان (C_i^+) ، که بین صفر و یک در نوسان است. (C_i^+) برابر ۱ نشان‌دهنده بالاترین رتبه و (C_i^+) برابر صفر نیز نشان‌دهنده کم‌ترین رتبه است. ضریب اولویت و رتبه استان‌های کشور به لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال زنان، در جدول ۳ و نمودار ۱ آورده شده است.

جدول ۳: ضریب اولویت و رتبه استان‌های کشور به لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال زنان

رتبه	(ضریب اولویت) C_i^+	استان	رتبه	(ضریب اولویت) C_i^+	استان
۲۴	۰/۱۱۰	فارس	۲	۰/۸۸۴	آذربایجان شرقی
۱۸	۰/۲۰۶	قزوین	۴	۰/۷۸۹	آذربایجان غربی
۲۱	۰/۱۳۸	قم	۱	۰/۹۴۹	اردبیل
۶	۰/۶۹۳	کردستان	۸	۰/۵۵۱	اصفهان
۱۹	۰/۱۶۸	کرمان	۷	۰/۶۱۶	ایلام
۱۵	۰/۲۸۳	کرمانشاه	۱۶	۰/۲۴۵	بوشهر
۲۹	۰/۰۶۳	کهگیلویه و بویر احمد	۲۶	۰/۰۷۸	تهران
۱۰	۰/۵۲۶	گلستان	۲۲	۰/۱۳۰	چهارمحال و بختیاری
۱۳	۰/۳۷۲	گیلان	۹	۰/۵۴۷	خراسان جنوبی
۲۰	۰/۱۵۵	لرستان	۵	۰/۷۵۸	خراسان رضوی
۲۳	۰/۱۲۵	مازندران	۱۲	۰/۳۸۶	خراسان شمالی
۲۷	۰/۰۷۱	مرکزی	۱۷	۰/۲۰۹	خوزستان
۲۸	۰/۰۶۸	هرمزگان	۳	۰/۸۵۰	زنجان
۱۱	۰/۴۰۳	همدان	۲۵	۰/۰۹۱	سمنان
۱۴	۰/۳۳۳	یزد	۳۰	۰/۰۲۹	سیستان و بلوچستان

مأخذ: یافته‌های پژوهش

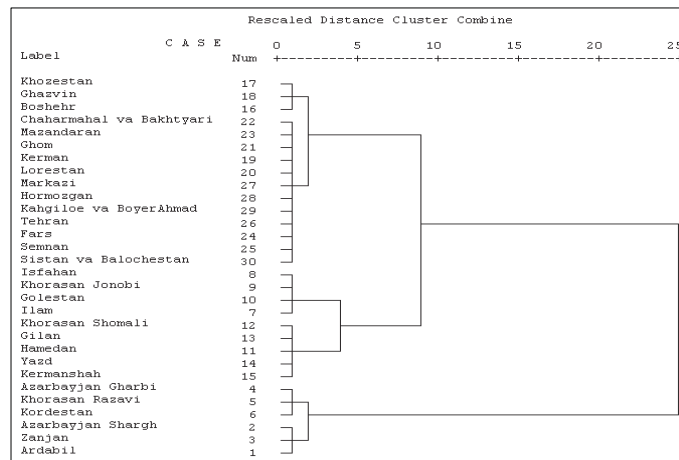


نمودار ۱: رتبه استان‌های کشور به لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال زنان

همان‌طور که نمودار ۱ و جدول ۳ نشان می‌دهند، سه استان اردبیل، آذربایجان شرقی و زنجان به ترتیب با ضریب اولویت ۰/۹۴۹، ۰/۸۸۴ و ۰/۸۵۰ رتبه‌های اول تا سوم کشور را به لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال زنان به خود اختصاص داده‌اند. همچنین سه استان سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان به ترتیب با ضریب اولویت ۰/۰۲۹، ۰/۰۶۳ و ۰/۰۶۸ در پایین‌ترین مرتبه قرار گرفته‌اند. بنابراین، با توجه به نتایج به‌دست آمده می‌توان بیان کرد، بین استان‌های کشور به لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال زنان نابرابری و شکاف زیاد وجود دارد؛ به این صورت که امتیاز نهایی بهره‌مندترین استان کشور (اردبیل)، حدود ۳۳ برابر ضعیف‌ترین استان (سیستان و بلوچستان) کشور است.

تکنیک تحلیل خوشه‌ای

برای انجام دادن سطح‌بندی استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های اشتغال زنان از روش تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی، به دلیل کاربرد بیش‌تر در مطالعات جغرافیایی، استفاده شده است. تکنیک تحلیل خوشه‌ای استان‌هایی که بیش‌ترین همانندی را از نظر امتیازهای کسب شده دارند در یک خوشه دسته‌بندی می‌کند. همان‌طور که در نمودار ۲ و جدول ۴ مشاهده می‌شود، با استفاده از تحلیل خوشه‌ای استان‌های کشور در زمینه‌های شاخص‌های اشتغال به ۵ خوشه همگن بسیار بهره‌مند، بهره‌مند، نسبتاً بهره‌مند (متوسط)، محروم و بسیار محروم طبقه‌بندی شده است که در ادامه شرح داده شده است.



نمودار ۲: گروه‌بندی استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های اشتغال در تکنیک تحلیل خوشه‌ای و بر اساس امتیازات تاپسیس

جدول ۴: وضعیت توسعه یافتگی استان‌های کشور در طبقات مختلف تحلیل خوشه‌ای به لحاظ شاخص‌های اشتغال زنان

استان	میانگین ضریب اولویت	سطوح همگن	سطح بهره‌مندی	استان	میانگین ضریب اولویت	سطوح همگن	سطح بهره‌مندی
اردبیل، آذربایجان شرقی، زنجان	۰/۸۹۵	سطح اول	بسیار	همدان، خراسان شمالی، گیلان، یزد، کرمانشاه	۰/۳۵۵	سطح چهارم	محروم
آذربایجان غربی، خراسان رضوی، کردستان	۰/۷۴۷	سطح دوم	بهره‌مند	کرمان، لرستان، قم، چهارمحال و بختیاری، مازندران، فارس، سمنان، تهران، مرکزی، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان	۰/۱۲۶	سطح پنجم	بسیار محروم
ایلام، اصفهان، خراسان جنوبی، گلستان	۰/۵۶۰	سطح سوم	نسبتاً بهره‌مند				

مأخذ: یافته‌های پژوهش

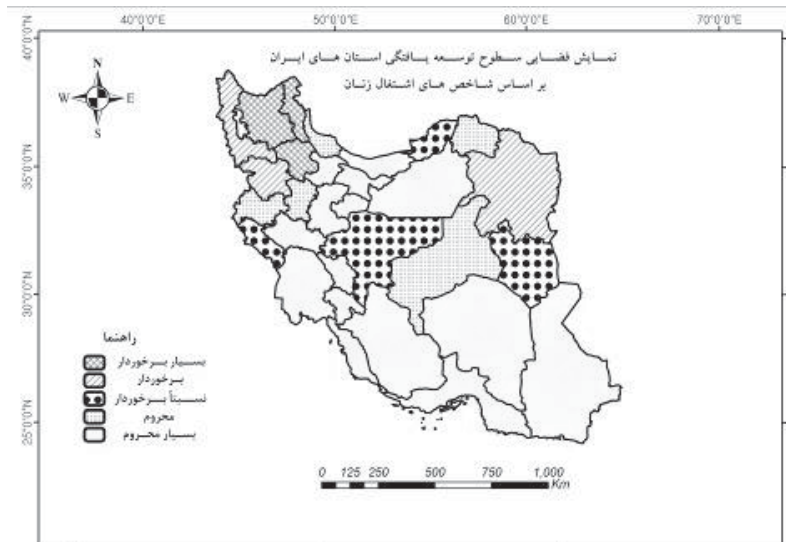
سطح اول، استان‌های بسیار بهره مند: در این سطح سه استان اردبیل، آذربایجان شرقی و زنجان، با میانگین ضریب اولویت ۰/۸۹۵، بهره‌مندترین استان‌های کشور به لحاظ شاخص‌های اشتغال زنان هستند. قرار گرفتن این سه استان به‌عنوان بهره‌مندترین استان‌های کشور، نشان می‌دهد که زنان سه استان مذکور، در اکثر شاخص‌های اشتغال، نسبت به سایر استان‌های کشور وضعیت بهتری را دارند.

سطح دوم، استان‌های بهره مند: زنان سه استان آذربایجان غربی، خراسان رضوی و کردستان، با میانگین ضریب اولویت ۰/۷۴۷، به لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال، در گروه بهره‌مند واقع شده‌اند. بنابراین، می‌توان چنین بیان کرد که در مجموع، ۲۰ درصد زنان کشور در دو سطح بسیار بهره‌مند و بهره‌مند به لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال جای گرفته‌اند.

سطح سوم، استان‌های نسبتاً بهره‌مند (متوسط): زنان ۴ استان ایلام، اصفهان، خراسان جنوبی و گلستان که حدود ۱۳ درصد استان‌های کشور را شامل می‌شوند، با میانگین ضریب اولویت ۰/۵۶۰ به لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال، در سطح متوسط واقع شده‌اند.

سطح چهارم، استان‌های محروم: در سطح چهارم ۵ استان همدان، خراسان شمالی، گیلان، یزد و کرمانشاه با میانگین ضریب اولویت ۰/۳۵۵ که حدود ۱۷ درصد استان‌های کشور را شامل می‌شوند به لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال زنان وضعیت مطلوبی را ندارند.

سطح پنجم، استان‌های بسیار محروم: زنان ۱۵ استان بوشهر، خوزستان، قزوین، کرمان، لرستان، قم، چهارمحال و بختیاری، مازندران، فارس، سمنان، تهران، مرکزی، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد و سیستان و بلوچستان که با میانگین ضریب اولویت ۰/۱۲۶ وضعیت مطلوبی نداشته و در سطح بسیار محروم واقع شده‌اند. قرار گرفتن زنان نیمی از استان‌های کشور در این سطح حاکی از نابرابری شدید و فقدان توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی در بین استان‌های کشور است. برای نمایش بهتر توزیع فضایی و توسعه یافتگی استان‌های کشور به لحاظ شاخص‌های اشتغال زنان از نرم‌افزار GIS استفاده شد که نتایج آن در شکل ۱ نمایش داده شده است.



شکل ۱: نمایش فضایی سطوح توسعه یافتگی استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های اشتغال زنان

نمایش توزیع فضایی استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های اشتغال زنان در شکل ۱، بیان‌کننده نابرابری و شکاف میان زنان استان‌های کشور در بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال است. به این صورت که در قسمت غرب و شمال غربی کشور زنان استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی، زنجان، آذربایجان غربی و کردستان و در قسمت شمال شرقی کشور زنان استان خراسان رضوی به لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال، در سطوح بسیار بهره‌مند و بهره‌مند واقع شده‌اند. همچنین در مرکز، شرق، شمال و غرب کشور به ترتیب استان‌های اصفهان، خراسان جنوبی، گلستان و ایلام به لحاظ توسعه یافتگی در شاخص‌های اشتغال زنان در سطح نسبتاً بهره‌مند (متوسط) جای گرفته‌اند. زنان ۲۰ استان همدان، خراسان شمالی، گیلان، یزد، کرمانشاه، بوشهر، خوزستان، قزوین، کرمان، لرستان، قم، چهارمحال و بختیاری، مازندران، فارس، سمنان، تهران، مرکزی، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد و سیستان و بلوچستان که در مناطق جنوبی، جنوب شرق، غرب (به استثنای استان گیلان) جنوب غرب و جنوب دریای مازندران جای گرفته‌اند، به لحاظ توسعه یافتگی در شاخص‌های اشتغال وضعیت مطلوبی

نداشته و در سطوح محروم و بسیار محروم واقع شده‌اند.

بر اساس طبقه‌بندی تحلیل خوشه‌ای بر اساس داده‌های خام برای هر یک از شاخص‌های ۱۶ گانه پژوهش، مشخص شد استان‌های واقع در سطح بسیار بهره‌مند در هفت شاخص مربوط به زنان روستایی (نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ اشتغال، نسبت اشتغال، نسبت شاغلان بخش خصوصی به بخش عمومی، ضریب فعالیت عمومی، بار تکفل، بار تکفل نظری، بار تکفل واقعی) و سه شاخص زنان شهری (نسبت اشتغال، بار تکفل و بار تکفل واقعی)، متفاوت (بالتر) از سایر استان‌های مورد بررسی هستند. همچنین، در رابطه با استان‌های واقع در سطح بهره‌مند، پس از بازبینی در شاخص‌های اولیه و مقایسه استان‌های کشور با یکدیگر مشخص شد استان‌های سطح بهره‌مند (سطح دوم) در شش شاخص نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ اشتغال، نسبت اشتغال، نسبت شاغلان بخش خصوصی به بخش عمومی، بار تکفل و بار تکفل واقعی در میان زنان روستایی شرایط مساعدتری را نسبت به استان‌های واقع در سطوح پایین‌تر داشته‌اند. به‌طور کلی می‌توان بیان کرد که شاخص‌های مربوط به زنان روستایی مورد مطالعه، تأثیر بالایی در جایگاه اشتغال زنان استان‌های کل کشور داشته است.

در رابطه با واقع شدن استان‌های شمالی کشور به‌ویژه استان مازندران در جایگاه ۲۳ کشوری و سطح بسیار محروم می‌توان به جایگاه ضعیف این استان در شاخص‌های (نرخ اشتغال، بار تکفل واقعی در میان زنان شهری و روستایی و همچنین، شاخص‌های نرخ مشارکت اقتصادی و ضریب فعالیت عمومی در میان زنان شهری) اشاره کرد. تعداد کم زنان شاغل در این استان نسبت به جمعیت کل استان و جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر، عامل اصلی واقع شدن این استان در سطح بسیار محروم است.

در رابطه با جایگاه مساعد استان کردستان نسبت به استان تهران با بررسی داده‌های خام اشتغال زنان مشخص شد، برتری نسبی استان کردستان مربوط به شاخص‌های اشتغال زنان روستایی است، به‌طوری که در اکثر شاخص‌های این بخش استان کردستان اغلب جزء ۶ استان برتر کشور است، در حالی که استان تهران در اکثر شاخص‌های اشتغال زنان روستایی جزو سه استان ضعیف کشور است.



بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد:

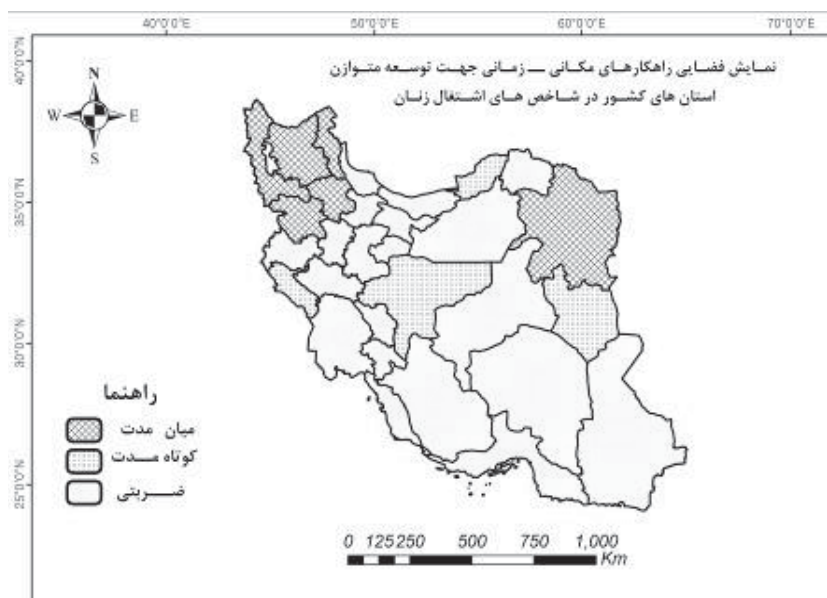
۱- سه استان اردبیل، آذربایجان شرقی و زنجان به ترتیب با ضریب اولویت ۰/۸۸۴، ۰/۹۴۹ و ۰/۸۵۰ رتبه‌های اول تا سوم کشور را به لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال زنان کسب کرده‌اند. همچنین زنان سه استان سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان به ترتیب با ضریب اولویت ۰/۰۲۹، ۰/۰۶۳ و ۰/۰۶۸ پایین‌ترین جایگاه را در بین استان‌های کشور به خود اختصاص داده‌اند.

۲- زنان سه استان اردبیل، آذربایجان شرقی، زنجان با میانگین ضریب اولویت ۰/۸۹۵ در سطح بسیار بهره‌مند، زنان استان‌های آذربایجان غربی، خراسان رضوی، کردستان با میانگین ضریب اولویت ۰/۷۴۷ در سطح بهره‌مند واقع شدند. همچنین زنان ۴ استان ایلام، اصفهان، خراسان جنوبی و گلستان با میانگین ضریب اولویت ۰/۵۶۰ در سطح نسبتاً بهره‌مند (متوسط) و ۵ استان همدان، خراسان شمالی، گیلان، یزد و کرمانشاه با میانگین ضریب اولویت ۰/۳۵۵ در سطح محروم و زنان ۱۵ استان بوشهر، خوزستان، قزوین، کرمان، لرستان، قم، چهارمحال و بختیاری، مازندران، فارس، سمنان، تهران، مرکزی، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد و سیستان و بلوچستان که با میانگین ضریب اولویت ۰/۱۲۶ در سطح بسیار محروم واقع شدند. به عبارتی دیگر به ترتیب زنان ۲۰ درصد کشور در سطح بهره‌مند و بسیار بهره‌مند، حدود ۱۳ درصد در سطح متوسط و حدود ۶۷ درصد زنان کشور در سطوح محروم و بسیار محروم به لحاظ بهره‌مند از شاخص‌های اشتغال قرار گرفته‌اند.

۳- نمایش فضایی سطح توسعه استان‌های کشور نشان داد که زنان استان‌های واقع در شمال غربی و شمال شرقی کشور به لحاظ اشتغال وضعیت مطلوبی را دارند و دیگر مناطق کشور به‌ویژه مناطق مرکزی (به استثنای استان اصفهان) و جنوبی کشور به لحاظ شاخص‌های مذکور وضعیت مطلوبی را ندارند.

پژوهش حاضر که از نابرابری فضایی استان‌های کشور در بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال زنان حکایت دارد، برای تعدیل نابرابری فضایی و توسعه متوازن فرصت‌های شغلی در سایر مناطق کشور، راهکارهای مکانی - زمانی را بر اساس نتایج پژوهش در شکل ۲ ارائه کرده است. شایان ذکر است راهکارها باید طوری ارائه شوند که ضمن حفظ و ارتقاء وضعیت

موجود، مناطق ضعیف‌تر را برای توسعه در آینده در اولویت قرار دهد. لذا با توجه به حساسیت مسأله اشتغال و تأثیر همه جانبه آن بر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... افراد، راهکارها در سه دسته ضربتی، کوتاه مدت و میان مدت ارائه شد. به این صورت که برای استان‌های واقع در سطوح محروم و بسیار محروم راهکارهای ضربتی، برای استان‌های واقع در سطح متوسط راهکارهای کوتاه مدت و برای استان‌های واقع در سطوح بهره‌مند و بسیار بهره‌مند راهکارهای میان‌مدت ارائه شد.



شکل ۲: نمایش فضایی راهکارهای مکانی-زمانی برای توسعه متوازن مناطق کشور به لحاظ شاخص‌های اشتغال زنان

بنابراین، با توجه به شکل ۲، برای زنان ۲۰ استان واقع در سطح بسیار محروم، به لحاظ شاخص‌های اشتغال زنان، راهکارهای ضربتی اشتغال‌زایی ارائه می‌شود. به این صورت که این استان‌ها باید در اولویت برنامه‌های توسعه اشتغال قرار گیرند و با طرح‌های ضربتی اشتغال‌زایی در زمینه‌های مختلف صنعتی، خدماتی و کشاورزی، با توجه به توانمندی‌های هر منطقه، شرایط مساعد را برای اشتغال زنان شهری و روستایی فراهم آورند.



برای ۴ استان گلستان، خراسان جنوبی، اصفهان و ایلام که در سطح متوسط بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال قرار گرفته‌اند، راهکارهایی کوتاه مدت پیشنهاد می‌شود. به این صورت که این استان‌ها بعد از استان‌های واقع در سطح محروم و بسیار محروم، در اولویت برنامه‌های توسعه اشتغال قرار گیرند. نهایتاً اینکه برای زنان ۶ استان کردستان، خراسان رضوی، آذربایجان غربی، زنجان، آذربایجان شرقی و اردبیل که در سطوح بهره‌مند و بسیار بهره‌مند جای گرفته‌اند و وضعیت بهتری نسبت به دیگر مناطق کشور دارند، راهکارهای میان‌مدت ارائه می‌شود. به این صورت که ضمن حفظ وضع موجود این استان‌ها در زمینه اشتغال زنان، می‌توان با برنامه‌ریزی‌های منسجم و مؤثر جایگاه این استان‌ها را در زمینه بهره‌مندی از شاخص‌های اشتغال بهبود بخشید.

به‌طور کلی با توجه به نتایج به‌دست آمده در رابطه با استان‌های محروم و نسبتاً محروم می‌توان با انجام دادن مطالعات امکان‌سنجی گسترده در سطوح پایین برنامه‌ریزی (روستا) و توجه به توانمندی هر منطقه از طریق طرح‌های ضربتی از جمله مشاغل خانگی، صنایع دستی (به‌عنوان بخشی که با کم‌ترین نیاز به عوامل تولید و سرمایه، فرصت شغلی مهیا می‌کند)، صنایع تبدیلی و تکمیلی، کارگاه‌های کوچک و زود بازده و... زمینه‌های اشتغال زنان در استان‌های مورد نظر را فراهم آورد. شایان ذکر است دستیابی به هدف فوق، باید با سرمایه‌گذاری و ارائه تسهیلات بانکی کم بهره و بلاعوض بخش‌های دولتی و خصوصی همراه باشد.

منابع

- ابونوری، اسمعیل و غلامی، نجمه (۱۳۸۸). بررسی روند اشتغال زنان در مقایسه با مردان و عوامل مؤثر بر سهم اشتغال زنان در بخش صنعت ایران، *مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان*، سال ۷، شماره ۱، صص ۳۱-۵۴.
- امینی، امیر مظفر و احمدی شاپورآبادی، محمدعلی (۱۳۸۶). اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان برخوار و میمه و فلاورجان استان اصفهان و ارزیابی تأثیر آن بر خوداتکایی اقتصادی آنها، *مطالعات زنان*، سال ۵، شماره ۱، صص ۶۵-۹۱.
- پیشگاهی فرد، زهرا و پولاب، ام‌البنی (۱۳۸۸). آینده پژوهی وضعیت اشتغال زنان در منطقه خاورمیانه با تأکید بر جایگاه ایران، *پژوهش زنان*، شماره ۳، صص ۸۹-۱۰۶.
- توکلی والا، ژاله (۱۳۸۵). *بررسی موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال زنان ایران دهه‌های اخیر*، تهران: دفتر مرکزی خبرگزاری زنان ایران.
- دادورخانی، فضیله (۱۳۸۵). توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان، *پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۵۵، صص ۱۷۱-۱۸۸.
- سلیمانی، منصوره (۱۳۹۰). اسلام و اشتغال زنان، *طهورا*، شماره ۸، صص ۱۴۹-۱۱۷.
- عباسیان، مجتبی، ابراهیم‌زاده اسمین، حسین، ناظریان، نورمحمد و ایرندگان، یونس (۱۳۹۰). بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در استان سیستان و بلوچستان، *زنان و خانواده*، شماره ۱۷، صص ۱۷۸-۱۴۷.
- عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۲). اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش زنان، *پژوهش زنان*، شماره ۷، صص ۱۴۰-۱۱۵.
- عملی، زهرا (۱۳۸۳). سیاست‌های اقتصادی کلان و بازار کار در ایران، *پژوهش زنان*، شماره ۲، دوره ۲، صص ۳۷-۱۷.
- فرشادفر، زهرا و اصغری‌پور، حسین (۱۳۸۹). بررسی مزیت نسبی اشتغال‌زایی بخش‌های عمده اقتصادی در استان کرمانشاه، *مجله دانش و فناوری*، سال اول، شماره ۲، صص ۶۰-۷۵.
- کیان‌مهر، محمد ولی (۱۳۷۹). تنگناهای آموزشی و تأثیر آن بر اشتغال و توسعه اقتصاد روستایی، *تعاون*، شماره ۱۱۰.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۲). بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استان‌ها در سال‌های



- ۱۳۷۵-۱۳۵۵، نامه علوم/اجتماعی، شماره ۲۱، صص ۲۱۸-۱۸۹.
- نوری، سیدهدایت‌الله و علی محمدی، نرگس (۱۳۸۸). تحلیلی بر فعالیت‌های اقتصادی زنان، مطالعه موردی: منطقه برآن - شهرستان اصفهان، *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، سال ۲۰، شماره ۲، صص ۸۵-۱۰۴.
- هادیان، ابراهیم و وحیدرپور، علی (۱۳۷۸). توسعه اقتصادی و سهم زنان در نیروی کار، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۲۸-۲۷، صص ۳۰-۲۰.
- هرندی، فاطمه و جمشیدی، فرشید (۱۳۸۷). چگونگی اثرپذیری احتمال اشتغال زنان متأهل نقاط شهری و روستایی از ویژگی‌های فردی و خانوادگی، *دانش و توسعه*، شماره ۲۳، صص ۲۰۵-۱۹۱.
- یزدخواستی، بهجت و احمدی، وکیل (۱۳۸۶). بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در ایران با تأکید بر سرشماری ۱۳۸۵، *مطالعات زنان*، سال اول، شماره سوم، صص ۱۲-۲۲.
- Cavalcanti, Tiago V. de V. & Jos'e Tavares (2008). Assessing the Engines of Liberation: Home appliances and female labor force participation, *The Review of Economics and Statistics*, MIT Press, vol. 90(1), pp. 81-88.
- Çelik, Mucahit, and Tatar, Mehmet (2011). Employment-unemployment Issues and Solution Suggestions Adiyaman Example, *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, Vol. 3, No. 2, pp. 1211- 1226.
- Domosh, Mona, and Joni, Seager (2001). *Putting in place: Feminist geographers make sense of the world*, NewYork: Guilford press.
- Ernst, Ekkehard, Rani, Uma (2011). Understanding unemployment flows, *Oxford Review of Economic Policy*, Volume 27, Number 2, pp. 268-294.
- Ganbari, Yusef, Moradi Hovasin, Nosrat, Jamini, Davood, Mafakheri, Amin, Gashtil, Kheiri (2012). Spatial Analysis and Classification of Women's Employment Indices in Rural Areas of Iran, *American Journal of Scientific Research*, Issue 71, pp: 74-83.
- Momsen, Janet H (2004), *Gender and Development*, London: Routledge.
- Tansel, Aysýt (2002). *Economic development and female labour force participation in Turkey: Time series evidence and cross province estimates*, in Bulutay, T. (ed) *Employment of Women*, Ankara: State Institute of Statistics.

نویسندگان

hedayat.nouri@gmail.com

دکتر سیده‌هدایت‌الله نوری زمان‌آبادی

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان. فارغ‌التحصیل در رشته جغرافیا از دانشگاه وین اتریش بوده، که مدرس دروس روستایی، کشاورزی و محیط‌شناسی دانشکده علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی است. همچنین، راهنمایی حدود ۱۰۰ عنوان پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری و صاحب ۲۵ مقاله در سطح ISI، ISC و علمی پژوهشی بوده نیز و کار پژوهشی در سطوح مختلف.

Davood.jamini@gmail.com

داود جمینی

دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان. دارای پژوهش‌هایی در زمینه توسعه روستایی و توسعه کشاورزی بوده که در سمینارهای بین‌المللی (۶ مقاله)، سمینار و کنفرانس‌های داخلی (بیش از ۳۱ مقاله)، مجلات ISI (۱ مقاله)، مجلات علمی پژوهشی خارجی (۴ مقاله) و داخلی (۱۰ مقاله) به چاپ رسیده و یا در نوبت چاپ هستند.

alireza472003@yahoo.com

علیرضا جمشیدی

دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان. دارای پژوهش‌هایی در زمینه توسعه روستایی و توسعه کشاورزی بوده که در سمینارهای بین‌المللی (مقاله عدد)، سمینار و کنفرانس‌های داخلی (بیش از ۵۰ مقاله)، مجلات ISI (۲ مقاله)، مجلات علمی پژوهشی خارجی (۴ مقاله) و داخلی (۲۲ مقاله) به چاپ رسیده و یا در نوبت چاپ هستند.